

اقتباس؛ گونه‌ای از تجلی قرآن در نیایش معصومان علیهم‌السلام

علی خیاط*

محمدعلی مهدوی راد**

چکیده

نیایش‌های معصومان فصلی فربه از فرهنگ زندگی ایشان است. از آنجا که پیوند اهل بیت علیهم‌السلام با قرآن جاودانه است، بی‌گمان، قرآن - بیش از هر منبعی - خاستگاه اندیشه‌ها و رفتارشان در هر بخش از سیره گفتاری و رفتاری، از جمله «دعا» است. دعا، میراثی گرانسنگ و ذخیره‌ای ارجمند از آموزهای بنیادین دینی است، که با بهره‌گیری از قرآن فراز آمده است و آینه وار، اندیشه‌های قرآنی آنان را بازتاب می‌دهد و با زبانی خاص که در آن مخاطب خداست، بسیاری از معارف قرآن را باز می‌گوید. اثبات این مدعا، نیازمند کاویدن گونه‌های این تجلی‌وانگیزهای این وام‌گیری است. مقاله پیش روی با مقدماتی چند، گونه‌ای از این تجلیات را در حد و وسع بر می‌رسد تا خواننده محترم را با انگیزه‌ها و برکات این وام‌گیری تا حدودی آشنا سازد.

کلید واژه‌ها: اقتباس، ادعیه مأثور، قرآن در ادعیه، صنایع ادبی.

درآمد

در سیره درخشان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام، گفتار حکیمانه و دلنشین آنها، بخش مهمی از فرهنگ زندگی آنهاست. در این بخش، دعاها و مناجات‌های آنان فصل برجسته و بالنده‌ای را تشکیل می‌دهد. اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عنوان جانشینان برحق پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، از هر سوی، اسوه و مقتدای ما شمرده می‌شوند و یکی از مهم‌ترین ابعاد زندگی آنها همین پیوند با پروردگار هستی و نیایش با اوست. حاصل آن میراث معنوی گران‌بها و

* دانشجوی دکتری علوم قرآنی و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

** دانشیار دانشگاه تهران (پردیس قم).

ذخیره فرهنگی ارجمنندی است که به راستی می‌توان آنها را مدرسه بزرگ،^۱ مکتب غنی و منبع مطمئن و سرشار از آموزه‌های بنیادین در زمینه عقاید، عرفان، اخلاق، راهکارهای برین زندگی، و فرهنگ ناب پاک سازی و بهسازی نام نهاد.

مفهوم شناسی دعا

«دعا» در لغت به معنی صدا زدن،^۲ به یاری طلبیدن،^۳ به امری تشویق کردن^۴ و در اصطلاح اهل شرع، گفت وگو کردن با حق تعالی، به نحو طلب حاجت و درخواست حل مشکلات از درگاه او و یا به نحو مناجات و یاد صفات جلال و جمال ذات اقدس اوست^۵ که در این مقال، همین مقصود اصطلاحی از دعا مراد است.

خاستگاه دعاهای ماثور

«نیایش» در فرهنگ اهل بیت علیهم السلام تنها یک درخواست خشک و بی روح نیست؛ حتی بالاتر، یک عبادت معمولی هم نیست، «دعا» در این فرهنگ باطن قرآن است؛ چنان که امام خمینی علیه السلام به نقل از استاد خود آنها را قرآن صاعد می‌خواند؛ یعنی آنها را برگرفته از قرآن و وحی الهی می‌دانست که از زبان معصومان علیهم السلام و اولیای ممتاز خدا، به سوی ملکوت صعود می‌کند. امام امت علیه السلام در وصیت نامه سیاسی الهی خود فرموده‌اند:

ما مفتخریم که ادعیه نجات بخش، که آن را قرآن صاعد می‌خوانند، از ائمه معصومین ماست.^۶

دعاهای به جا مانده از پیامبر و یا امامان، الهامی است از قرآن حکیم و تعبیری دیگر

۱. از علامه امینی نقل شده است که: «اسلام برای مسلمانان مدرسه‌ای تاسیس کرده است که درب این مدرسه دولنگه دارد و هیچ لنگه آن در عالم لنگه ندارد، یکی دعا و دیگری زیارت».
۲. العین، ج ۲، ص ۲۲۱، ماده دعا؛ لسان العرب، ج ۱۴، ص ۲۵۷، ماده دعا.
۳. مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۴۱.
۴. المفردات، ماده دعوت.

۵. المصباح المنیر، ص ۱۷؛ قال أبو إسحق فی قوله: أُجِيبُ دعوة الدَّاعِ إذا دَعَانِ؛ معنی الدعاء لله علی ثلاثة أوجه: فضرب منها توحید و الثناء علیه کقولك: یا الله لا إله إلا أنت، و کقولك: ربَّنَا لک الحمد، إذا قُلْتَهُ فقد دَعَوْتَهُ بقولك ربَّنَا، ثم أتیت بالثناء و التوحید، و مثله قوله: و قال ربکم ادعونی أَسْتَجِبْ لکم إنَّ الذین یشککرون عن عبادتی؛ فهذا ضرب من الدعاء، و الضرب الثانی مسألة الله العفو و الرحمة و ما یقرَّب منه کقولك: اللهم اغفر لنا، و الضرب الثالث مسألة الحظ من الدنيا کقولك: اللهم ارزقنی مالاً و ولداً، و إنما سُمی هذا جمیعاً دعاء لأنَّ الإنسان یصدرفی هذه الأشياء بقوله یا الله یا رب یا رحمئن، فلذلک سُمی دعاء^۲. ک: لسان العرب، ج ۱۴، ص ۲۵۷.

۶. وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی علیه السلام، ص ۳.

است از همان اندیشه‌ها و مفاهیمی که در قرآن آمده و در عین حال، واگویی‌ای است از دعایی که در دوران‌های پیش از اسلام، نازل شده‌اند. این دعا‌هایی که از طریق راویان ثقه به ما منتقل شده و در زبان‌ها و دست‌ها، نسل در نسل گردیده، در واقع پژواک و انعکاس معارف قرآنی است. پس هنگامی که قرآن بر آن دل‌های پاک - که ظرف معارف قرآن بودند - نازل شد، این معارف بر زبان‌های آنان جاری شد و با دعا‌های خود آن را بیان کردند. بنا بر این، ممکن نیست که این دعا‌ها از قرآن گسسته شوند. کارشناسان بزرگ معارف الهی بر آن هستند که دعا‌هایی که از معصومان علیهم‌السلام رسیده است، هر کدام مقامی از مقامات انشایی و علمی ائمه دین است.^۷ امام امت علیه‌السلام می‌فرماید:

...آن قدر معارف در ادعیه هست که احصا نمی‌توان کرد، لسان قرآن است. ادعیه، شارح قرآن هستند، مردم را نباید جدا کرد از دعا... قرآن و دعا از هم جدا نیستند همان طور که پیامبر هم از قرآن جدا نیست، ادعیه و قرآن و این‌ها همه با هم‌اند، و نباید از این برکات مردم را دور کرد، باید مردم را به این سفره پهن الهی که قرآن و سنت و ادعیه باشد، دعوت کرد، تا هر کس به اندازه خودش استفاده بکند.^۸

پس آبشخوری که اندیشه‌های امامان از آنها سرچشمه گرفته و بیشترین تأثیر را بر فکر و روح آن انوار پاک گذاشته، قرآن کریم است. البته این امری طبیعی است؛ چه آن که از سویی پیوند قرآن و عترت پیوندی ازلی و ابدی و همیشگی است که در اصل و ذات، از یک گوهرند و چون یک روح در دو کالبد، در حشر و نشر و نیز قیامت، آن دو به هم پیوسته‌اند. گواه این مدعا حدیث متواتر «ثقلین» و روایات صحیح‌السند فراوان دیگری از قبیل حدیث «معیت» و غیر آن است و از دیگر سوی، انس و بیّه آن قدسیان با قرآن کریم از زمان کودکی، روح و جان‌شان را در پرتو وحی شکل داده و قرآن را بر ذهن و اندیشه آنان چیره ساخته است. سیره زندگی درخشان‌شان در عمل آکنده از دستورهای قرآن بود، هرگز از قرآن - از نظر فکر و گفتار و عمل در همه ابعاد - جدا نشدند، بلکه تندیس قرآن و به عبارت روشن‌تر، تجلی‌گاه قرآن و مفسران همدم آن بوده‌اند؛ از این رو، به عنوان قرآن ناطق معرفی شده‌اند. چند نمونه از این انس و پیوند که وام‌گیری ایشان را از قرآن هویدا و مبرهن می‌سازد، از نظر می‌گذرانیم:

۷. رساله نور علی نور، ص ۳۱.

۸. تفسیر سوره حمد، ص ۱۹۲.

امام سجاد علیه السلام فرمود:

اگر همه موجودات و انسان‌ها، از شرق تا غرب جهان بمیرند و من تنها بمانم، مادامی که قرآن با من باشد، هیچ گونه وحشتی نخواهم داشت.^۹

این موضوع جلوه عینی همان سخنی است که حضرت علی علیه السلام فرمود:

کسی که با تلاوت قرآن انس و الفت گرفت، از جدایی دیگران به وحشت نمی‌افتد.^{۱۰}

ابن الصبغ مکی مالکی، به نقل از علی بن احمد واحدی، در تفسیر خود آورده است که مردی وارد مسجد رسول الله شده و ملاحظه کرد که شخصی مشغول نقل حدیث از پیامبر است. مردم اطراف او را گرفته، به سخنانش گوش می‌دادند. از او پرسید: مراد از شاهد و مشهود - در آیه شریفه سوره بروج - چیست؟ پاسخ داد: «شاهد» روز جمعه و «مشهود»، روز عرفه است. از او گذشته، با دیگری - که او نیز به نقل حدیث پرداخته بود - سؤال خود را تکرار کرده از او پرسید که: مراد از شاهد و مشهود چیست؟ وی پاسخ داد: «شاهد» روز جمعه است و اما مشهود، روز عید قربان است. از کنار آن دونفر گذشته، گذرش به نوجوانی خوب روی افتاد که او نیز در مسجد، کلاس درس تشکیل داده بود. پس از او در باره شاهد و مشهود پرسید. وی در پاسخ گفت: شاهد، حضرت محمد صلی الله علیه و آله است و اما مشهود، روز قیامت است. آن گاه برای گفته خود، این چنین استدلال کرد: آیا سخن پروردگار را نشنیده‌ای که می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا^{۱۱}

ای پیامبر، ما تو را به عنوان شاهد و بشارت دهنده و بیم دهنده فرستادیم.

ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ^{۱۲}

روز قیامت روزی است که همه مردم برای آن جمع می‌شوند و آن روز، روزی است که مشهود همگان است.

راوی گوید: سپس از نام شخص اول پرسید، گفتند: ابن عباس است و از دومی پرسید،

۹. اصول الکافی، ج ۲، ص ۶۱۰.

۱۰. غرر الحکم، باب المیم.

۱۱. سوره احزاب، آیه ۴۵.

۱۲. سوره هود، آیه ۱۰۳.

گفتند: ابن عمر است و از شخص سوم که پرسید، گفتند: وی، حسن بن علی بن ابی طالب است.^{۱۳}

طرفه آن که بر طبق نقل علامه مجلسی در بحارالانوار و کشف الغمّة، این شخص تفسیر امام را از شاهد و مشهود، بر دیگر تفسیرها - که از عبدالله بن عباس و عبدالله بن عمر شنیده بود - ترجیح داده و آن را پسندیده بود.^{۱۴} شاید دلیل این پذیرش، استدلال قوی امام به دو آیه شریفه بوده است.

نیز روایت شده که یکی از کنیزان آن حضرت، شاخه گلی به امام حسن علیه السلام اهدا کرد. حضرت، کنیز را آزاد نمود. یکی از حاضران به امام عرض کرد: به راستی به خاطر یک شاخه گل بی ارزش، کنیز را آزاد کردی؟ آن حضرت در پاسخ فرمود:

قرآن ما را چنین تربیت کرده، آن جا که می فرماید:

وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا؛^{۱۵}

هنگامی که کسی به شما تحیت گوید، پاسخ او را به طور بهتر یا همان گونه بدهید.

از این رو، پاسخ بهتر همان آزاد کردن اوست.^{۱۶}

امام حسین علیه السلام عصر تاسوعا، برادرش حضرت عباس علیه السلام را در کربلا نزد دشمن فرستاد تا به آنها چنین پیام دهد:

امشب را به ما مهلت دهید؛ زیرا: «هو يعلم إنى أحب الصلاة له وتلاوة كتابه؛ خداوند می داند و گواه است که من نماز و تلاوت قرآن را دوست دارم». امشب را به خاطر انجام نماز و تلاوت قرآن به ما مهلت دهید.^{۱۷}

امام صادق علیه السلام نیز به گونه ای آیات قرآن را در نماز تلاوت می کرد که از خود بی خود شده، به اوج قله معنویت صعود می کرد. روزی یکی از حاضران از او پرسید: این چه حالی بود که به شما دست داد؟ فرمود:

پیوسته آیات قرآن را تکرار کردم تا این که به حالتی رسیدم که گویی آن آیات را

۱۳. الفصول المهمة، ج ۲، ص ۲۰۷؛ کشف الغمّة، ج ۲، ص ۱۶۶.

۱۴. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۴۵.

۱۵. سوره نساء، آیه ۸۶.

۱۶. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۸۳.

۱۷. تاریخ الطبری، ج ۶، ص ۳۳۷؛ نفس المهموم، ص ۱۰۰.

به طور مستقیم از زبان نازل کننده‌اش شنیده‌ام.^{۱۸}

از الفت حضرت رضا علیه‌السلام با قرآن این که هر سه روز یک بار تمام قرآن را تلاوت می‌کرده و می‌فرمود:

اگر خواسته باشم که در کمتر از سه روز قرآن را ختم کنم می‌توانم، ولی هرگز هیچ آیه‌ای را نخوانده‌ام، مگر این که در معنای آن اندیشیده و در باره این که آیه در چه موضوع و در چه وقت نازل شده، فکر کردم. از این رو، هر سه روز قرآن را می‌خوانم، و گرنه، کمتر از سه روز، همه آن را تلاوت می‌کردم.^{۱۹}

آنچه گفته آمد، اندکی از بسیار و در حد گنجایش این مقاله بود، نه احصای آن در سیره امامان؛ که بیرون از شمار است. در سخن و منش دیگر پیشوایان نیز با کمال وضوح دیده می‌شود که همواره به قرآن دل بسته و با آن در فکر و عمل، انس مخصوص داشته و تحت تأثیر آن بوده‌اند. بدین جهت، دعاها و مناجات‌های اهل بیت - که فصل برجسته و بالنده‌ای از فرهنگ ایشان را تشکیل می‌دهد - بارزترین عرصه جلوه و ظهور قرآن کریم و منعکس کننده اوج تأثیرپذیری آن بزرگواران از منشور جاویدان آسمانی است.

گونه‌های تأثیرپذیری

به طور کلی دو نوع تأثیرپذیری از قرآن در ادعیه منسوب به پیشوایان معصوم علیهم‌السلام دیده می‌شود؛ یکی تأثیرپذیری آشکار (مستقیم)، و دیگری تأثیرپذیری پنهان (غیر مستقیم). منظور از تأثیرپذیری پنهان، آن است که امامان علیهم‌السلام، با توجه به انس ویژه‌ای که با قرآن دارند، افکار، مضامین و موضوعات را از قرآن می‌گیرند و در پرتو فرهنگ قرآن آنها را می‌پروراند و توضیح می‌دهند. در نتیجه، در این نوع بهره‌گیری، قرآن مجید، به طور کلی به لحاظ محتوا و گاهی ساختار، خاستگاه سلسله‌ای از اندیشه‌ها و افکار و باورها در زمینه حقایق دینی قرار می‌گیرد که روح کلی آن از قرآن الهام گرفته و در بستر دعا، در قالب افکار و اندیشه‌های ناب پدیدار می‌گردد. در عین حال، صریحاً به قرآن مستند نمی‌شود. بهره‌گیری دعا از قرآن بدین شیوه بسیار گسترده است و مجالس بس و واسع برای بررسی می‌طلبند که صد البته از حوصله مقالاتی از این دست بیرون است. اما مقصود از تأثیرپذیری مستقیم - که به آن می‌توان اثرپذیری گزاره‌ای هم گفت - آن

۱۸. بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۸

۱۹. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۶۰

است که صاحب سخن عبارت یا جمله‌ای قرآنی را در کلام خود بیاورد. این شیوه به زبان اهل بلاغت خود به سه گونه تصریح، تلمیح (اشاره) و اقتباس (تضمین) بخش پذیر است:

الف. تصریح

نخستین گونه کاربرد آیات قرآن در ادعیه «تصریح» است. در این گونه به صورت کاملاً آشکار و در قالبی جداگانه از دعا، آیه‌ای از قرآن ذکر می‌شود. نمونه آن را در دعای امام سجاد علیه السلام بنگرید: در دعایی که امام علیه السلام به منظور صلوات بر پیامبر و خاندان پاکش انشا فرموده است، در بندی ابتدا به اوصاف و افعال نیک پیامبر اشاره می‌کند و سپس به مناسبت زحمات طاقت فرسای وی برای امت و تبلیغ رسالت، صبر بی نظیر پیامبر در مسیر هدایت امت را یاد آوری می‌کند؛ کوششی شبانه‌روزی و بی‌وقفه در این مسیر که در حدی بس فراتر از وظیفه‌اش بود. پیامبر در این راه تا آنجا پیش می‌رود که خداوند، او که خود وی را به همین منظور مبعوث کرده است، صریحاً دستور می‌دهد این همه زحمت لازم نیست، آنها را رها کن؛ چه این که بیش از این وظیفه‌ای نداری و بر تو ملامتی نیست؛ می‌فرماید:

و بلغ مجهود الصبر فی اظهار حقک، و اثر الجد علی التقصیر و الریث فی امرک ابتغاء
الوسیلة عندک، و الزلفه لدیک و طول الخلود فی رحمتک،^{۲۰} حتی قلت له: فَتَوَلَّ
عَنَّمُ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ.^{۲۱}

امام علیه السلام در این نمونه، با عبارت «حتی قلت له» آیه را از کلام خود جدا می‌کند.^{۲۲}

ب. تلمیح (اشاره)

در تعریف این اصطلاح در فن بدیع گفته‌اند:

در فحوای گفتار به داستان، یا شعر یا مثلی، بی آن که اصل آنها ذکر شود،
اشاره گردد.^{۲۳}

اشاره به آیات قرآن، بدون ذکر آنها از مصادیق تلمیح است. از آنجا که منبع اصلی و سرچشمه زلال ادعیه ائمه علیهم السلام قرآن است، بیشترین انعکاس قرآن در دعا به صورت تلمیح

۲۰. دعای ۱۰ و ۳۳ صحیفه سجادیه.

۲۱. سوره نازعات، آیه ۵۴.

۲۲. تصریحات آیات در ادعیه منسوب به ائمه اطهار علیهم السلام بالغ بر پانصد مورد است.

۲۳. التعریفات، ص ۵۸؛ مختصر المعانی، ص ۳۱۲.

است. نمونه آن در دعای اول صحیفه سجادیه چنین است: امام علیه‌السلام در دو بند از این دعا با اشاره به رزاقیت خداوند و حاکمیتش بر بندگان عرضه می‌دارد که روزی بندگان دست خداست؛ کسی را قدرت کاستن یا افزودن آن نیست؛ همچنان که حساب عمر انسان‌ها هم در اختیار اوست و کسی را توان تغییر اجل نیست؛ می‌فرماید:

وَجَعَلَ لِكُلِّ رُوحٍ مِنْهُمْ قُوتاً مَعْلُوماً مَقْسُوماً مِنْ رِزْقِهِ، لَا يَنْقُصُ مِنْ زَادِهِ نَاقِصٌ،
وَلَا يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ زَائِدٌ ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجْلاً مُؤَقَّتاً، وَنَصَبَ لَهُ
أَمَداً مَحْدُوداً.^{۲۴}

بند نخست، تلمیحی است به چندین آیه از قبیل آیه ۲۶ سوره رعد؛ آیه ۳۰ سوره اسراء؛ آیه ۲۱ سوره حجر؛ آیه ۱۲ سوره شوری؛ آیه ۳۹ سوره سبأ؛ آیه ۶۱ سوره هود و... و بند دوم، حداقل به دو آیه تلمیح دارد؛ آیه ۱۴۵ سوره آل عمران و آیه ۳۴ سوره اعراف.^{۲۵}

ج. اقتباس (تضمین)^{۲۶}

در فن بدیع، عبارت از آوردن آیه‌ای از قرآن مجید یا حدیث است؛ بی آن که تصریح به اسناد شود؛ یعنی نگوید: «قال الله كذا» یا «قال رسول الله كذا»^{۲۷} که پاره‌ای آن را اقتباس نامیده و گروهی دیگر تضمین.^{۲۸} این شیوه نیز به نوبه خود بر دو گونه است:

یکم. اقتباس صریح، در این شیوه، گوینده، گزاره‌ای (عبارتی قرآنی) را با همان ساختار، بی هیچ گونه تغییر یا با اندک دگرگونی، در سخن خود می‌آورد.^{۲۹}
دوم. اقتباس اشاری^{۳۰} (حل یا تحلیل)، در این گونه گزاره‌ای قرآنی (آیه) در متن آورده می‌شود؛ با ایجاد تغییر در لفظ یا ترکیب که نمونه‌های این دورا در ادامه خواهیم آورد؛ چه این که مقصود اصلی در این مقاله بررسی وام‌گیری دعا از قرآن کریم بدین شیوه است.

انگیزه‌های اقتباس در دعا

بهره‌گیری ادعیه از قرآن بدین شیوه، با انگیزه‌های گوناگون انجام می‌گیرد: به قصد

۲۴. صحیفه سجادیه، دعای نخست.

۲۵. تعداد تلمیحات در ادعیه معصومان افزون از شمار است.

۲۶. و الاقتباس عندهم تضمین الكلام - نثرأكان أو شعراً - شيئاً من القرآن أو الحديث، من غير دلالة على أنه منها.

۲۷. مختصر المعاني، ص ۳۰۸.

۲۸. وغالب علماء البلاغة وغيرهم من أهل علوم القرآن وشرح الحديث وكثير من الفقهاء يسمون هذا الفن البلاغي - الاقتباس - تبعاً للرازي وثمة جماعة يسمونه - التضمين - منهم ضياء الدين ابن اثير (رك: الاقتباس؛ انواعه واحكامه).

۲۹. تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، ص ۳۰.

۳۰. اثر القرآن الكريم في الشعر الاندلسي، ص ۳۲؛ معجم آیات الاقتباس، ص ۸.

تبرک و تیمن (یعنی با آوردن سخن خداوند به سخن خویش مبارکی و برکت بخشیدن)، به قصد تحمید و تهلیل و تسبیح (یعنی با بهره‌گیری از آیات به مدح و ثنای خدا یا اقرار به توحید یا پیراستن خدای تعالی از نقص و کاستی اقدام کردن)، به قصد تبیین و توضیح (یعنی با آوردن عبارت قرآنی مقصود خویش را آشکارتر ساختن)، به قصد تعلیل و توجیه (یعنی آیه‌ای را بر سخن خویش دلیل آوردن)، به قصد تحریض و تحذیر (یعنی با آوردن عبارتی قرآنی خواننده را به چیزی تحریض و تشویق کردن یا از چیزی تحذیر و زنهاردادن)، به قصد استشهاد و استناد (یعنی مقصود خویش را به کلام خدا مستند کردن و سخن خدا را شاهد آن ساختن)، به قصد جری و تطبیق (یعنی عبارت قرآنی را بر مصادیق جدید غیر از مصادیق زمان نزول تطبیق کردن)، به قصد تزیین و تجمیل (یعنی کلام خویش را با گزاره‌های قرآنی آراستن و زیبا ساختن) و... پیداست که چه بسا پاره‌ای از این‌ها با هم و یک‌جا نیز زمینه ساز اقتباس گزاره‌ای قرآنی می‌توانند باشند.

تعداد گزاره‌های قرآنی مقتبس در ادعیه بسیار گسترده و انگیزه‌ها نیز بسی فزون‌تر از آن است که گفته آمد؛ به عنوان مثال تنها در ادعیه منسوب به امیر مؤمنان علیه السلام، آیات مقتبس بالغ بر ۲۵۰ مورد به انگیزه‌های مختلف است.

و اینک نمونه‌ها:

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۱. توصیف و تبیین و تعلیل

امیر مؤمنان علیه السلام در دعایی منسوب به وی، قبل از درخواست حاجت خودش - که آرزوش گناهان است - حدود بیست بار به اسمای حسناى الهی متوسل شده و در هر توسل وصفی از اوصاف کمالی پروردگار را یادآوری می‌کند. در این موارد، بیش از نه بار، بخش‌هایی از آیات - که توصیف پروردگار است - و به اسمی از اسمای حسناى وی و صفات کمال اشاره دارد، اقتباس شده که سندی گویا از ارتباط تنگاتنگ و انس ویژه آن حضرت با قرآن کریم است. این اقتباس‌ها به منظور توصیف و تبیین صفات پروردگار و تعلیل بر توسل‌های مکرر حضرت است. می‌فرماید:

اعتصمت بالله الذی لا اله الا هو، القائم علی کل نفس بما کسبت.^{۳۱} اعتصمت بالله الذی لا اله الا هو، لا تاخذہ سنۃ و لا نوم،^{۳۲} اعتصمت بالله الذی لا اله الا هو، الرحمن

۳۱. سوره رعد، آیه ۳۳.

۳۲. سوره بقره، آیه ۲۵۵.

على العرش استوى،^{۳۳} يعلم خائنة الاعين وما تخفى الصدور^{۳۴} اعتصمت بالله الذى لا اله الا هو، له ما فى السموات وما فى الارض وما بينهما وما تحت الثرى،^{۳۵}... اعتصمت بالله الذى لا اله الا هو، الواحد الاحد (الفرد) الصمد الذى لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً احداً،^{۳۶}... اعتصمت بالله الذى لا اله الا هو يسبح له ما فى السماوات وما فى الارض كل له قانتون...^{۳۷} اعتصمت بالله الذى لا اله الا هو، عليه توكلت وهو رب العرش العظيم...^{۳۸}

۲. معرفی انسان کامل و سیمای قرآنی مؤمن

در دعای روز بیست و یکم ماه، منسوب به امام علی علیه السلام، در سراسر دعا به دو سبک اقتباس صریح و حلی (نصی و اشاری) ده ها آیه قرآن را اقتباس کرده است. امام در هر بند تقاضایی را مطرح می کند و از خدا می خواهد او را در زمره نیکانی که در آیات متعدد قرآن از ایشان به نیکی یاد شده و اوصاف آنان برشمرده شده است، قرار دهد. او در هر بند، آیات مربوط به مؤمنان رستگار و نیکوکار را اقتباس کرده و در واقع در این دعا با استفاده از قرآن کریم سیمای انسان کامل و مؤمن واقعی را ترسیم کرده است؛ می فرماید:

اللهم اجعلنى من الذين يؤمنون بالغيب، و يقيمون الصلاة، و مما رزقناهم ينفقون،^{۳۹} و اجعلنى على هدى،^{۴۰} و اجعلنى من المهتدين،^{۴۱} و لقنى الكلمات التى لقتنها آدم، فتبت عليه إنك أنت التواب الرحيم،^{۴۲} اللهم اجعلنى ممن يقيم الصلاة و يؤتى الزكاة،^{۴۳} و اجعلنى من الخاشعين، الذين يستعينون بالصبر و الصلاة،^{۴۴} و اجعلنى من الذين لا خوف عليهم و لا هم يحزنون^{۴۵}، اللهم اجعلنى من الصابرين الذين إذا

۳۳. سوره طه، آیه ۵.

۳۴. سوره غافر، آیه ۱۹.

۳۵. سوره طه، آیه ۶.

۳۶. سوره بقره، آیه ۱۱۶.

۳۷. سوره توبه، آیه ۱۲۹.

۳۸. الصحیفه العلویة الجامعه، دعای ۲۰، ص ۷۲-۷۴؛ مهج الدعوات، ص ۱۳۳؛ مصباح المنتهجد، ص ۴۳۳؛ بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۳۹۳.

۳۹. سوره بقره، آیه ۳.

۴۰. سوره بقره، آیه ۵.

۴۱. سوره انعام، آیه ۸۲.

۴۲. سوره بقره، آیه ۳۷.

۴۳. سوره نمل، آیه ۳؛ سوره لقمان، آیه ۴؛ سوره مائده، آیه ۵۵.

۴۴. سوره بقره، آیه ۴۵.

۴۵. سوره یونس، آیه ۶۲. در این آیه نفی خوف و حزن، و صف اولیاء الله آمده است و در سیزده آیه دیگر وصف محسنان،

أصابهم مصيبة قالوا إنا لله وإنا إليه راجعون،^{۴۶}...

در ادامه این دعا امام علیه السلام حد اقل سی آیه دیگر را بر شیوه پیش گفته اقتباس کرده، صورت‌گیری خویش از سیمای انسان کامل را کامل می‌کند.^{۴۷} به راستی این دعا تجلی گاه درخشانی از شخصیت قرآنی آن امام همام است.

۳. مناجات و تفسیر

در دعای معروف صباح در مقام مناجات و شمردن نعمت‌های الهی و مظاهر قدرت پروردگار دو آیه را به صورت حلی اقتباس کرده است، می‌فرماید:

وانهت المياه من الصم الصياخيد عذبا واجاباً وانزلت من المعصرات ماء نجاجاً،^{۴۸} و جعلت الشمس والقمر للبرية سراجاً وهاجاً،^{۴۹} من غير ان تمارس فيما ابتدأت به لغوباً ولا علاجاً.^{۵۰}

در این دعا، مراد از «سراج و هاج» مشخص شده که خورشید و ماه است.

۴. جری و تطبیق

در دعایی منسوب به حضرت زهرا علیها السلام در تعقیب نماز عشا، حضرت با تسبیح و تحمید خدا و ذکر صفات جمال و جلال شروع می‌کند. سپس در قالب مناجات، مطالب متعددی را از خداوند درخواست می‌کند، و آن گاه که دعایش به نقطه اوج خودش می‌رسد، با اقرار به این که خدا در هر مشکلی بهترین پناه و برترین وکیل است، به دعای خودش جبهتی قرآنی می‌دهد و با اقتباس نه آیه قرآن، طراوتی خاص به دعا بخشیده و حاجات خودش را از لسان آیات مطرح می‌کند. این آیات گرچه از لسان بعضی از پیامبران گذشته و صالحان و یا غیر صالحان گفته شده، صدیقه طاهره مفاد آنها را از مصادیق قبلی‌اش (که انسان‌های قبل از او و خواهش‌های آنها بوده) به مصادیق جدید (خودش و خواست‌هایش) انصراف می‌دهد و با این تطبیق جانی تازه به آیات بخشیده، آنها را در زمان

منفقان، صالحان، مؤمنان، استواران بر راه حق، عباد الله و شهیدان نیز قرار گرفته است. در این دعا هر یک از این گروه‌ها یا همه آنان می‌تواند مراد باشد.

۴۶. سوره بقره، آیه ۱۵۶.

۴۷. ر.ک: الصحیفة العلویة، دعای ۲۱۶، ص ۳۵۵-۳۵۲؛ الدرر الوافیة، ص ۱۱۱؛ بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۲۱۳.

۴۸. سوره نبأ، آیه ۱۴.

۴۹. سوره نبأ، آیه ۱۳.

۵۰. الصحیفة العلویة الجامعة، دعای ۲۵۴، ص ۴۶۳؛ بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۳۳۹؛ ج ۹۱، ص ۲۴۳، به نقل از مصباح این

باقی.

خودش هم جاری می کند؛ می فرماید:

...عز جارك، و جل ثناوك، و تقدست اسموك، و لا اله غيرك حسبي انت في السراء والضراء والشده والرخاء، و نعم الوكيل؛ رَبَّنَا عَلَيْنِكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ^{۵۱}؛ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ^{۵۲}؛ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا؛ إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا^{۵۳}؛ رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ^{۵۴}؛ رَبَّنَا فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ؛ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِعَادَ^{۵۵}؛ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ^{۵۶}؛ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ^{۵۷} و صلى الله على سيدنا محمد النبي وآله الطاهرين وسلم تسليماً^{۵۸}.

۵. تفسیر و توضیح آیه

امام حسین علیه السلام، در بندی از دعای بلند عرفه، در مقام تحمید و تسبیح و اعتراف به توحید، دو آیه قرآن کریم را اقتباس کرده است و با تقسیم آیه به چند بخش، توضیح تفسیری کوتاهی را به عنوان نتیجه گیری از هر بخش اضافه کرده است، می فرماید:

... و اقول مؤمناً موقناً: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلِداً فَيَكُونُ موروثاً، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ؛ فيضاده فيما ابتدع، و لا وُلِيٌّ مِنَ الدُّلِّ؛^{۵۹} فیرفده فيما صنع، سبحانه سبحانه سبحانه، لَوْ كَانَ فِيهِمَا إِلَهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَ تَفَطَّرَتَا. فسبحان الله الواحد الحق الأحد الصمد الذي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، الحمد لله حمداً يعدل حمد ملائكته المقربين، و أنبيائه المرسلين، و صلى الله على خيرته من خلقه محمد خاتم

۵۱. سوره ممتحنه، آیه ۴.

۵۲. سوره ممتحنه، آیه ۵.

۵۳. سوره فرقان، آیه ۶۶-۶۵.

۵۴. سوره اعراف، آیه ۸۹.

۵۵. سوره آل عمران، آیه ۱۹۴-۱۹۳.

۵۶. سوره بقره، آیه ۲۸۶.

۵۷. سوره بقره، آیه ۲۰۱.

۵۸. الصحيفه الفاطميه الجامعة، دعای ۳۷، ص ۶۸.

۵۹. سوره اسراء، آیه ۱۱۱.

۶۰. سوره انبياء، آیه ۲۲.

النبيين وآله الطاهرين المخلصين...^{۶۱}

۶. جری و تطبیق، تعلیل

در دعای روز سه شنبه، منسوب به امام زین العابدین علیه السلام، در اولین بند حضرت پس از حمد و ثنای پروردگار از خدا می خواهد که او را از شر نفس عماره حفظ کند، و آن گاه در مقام تعلیل آیه ۵۴ سوره یوسف را اقتباس می کند تا مبرهن سازد که علت پناه بردن از شر نفس به خدا آن است که نفس به بدی و سرپیچی از فرامین حق امر می کند و بدین شکل، برای آیه ای که از زبان زلیخا در قرآن آمده است، مصداق جدید قرار می دهد و می فرماید:

الحمد لله، والحمد حقه كما يستحقه حمداً كثيراً، واعوذ به من شر نفسي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَزَمَ رَبِّي.^{۶۲}

در همین دعا، در بندی دیگر، سه درخواست مطرح می کند و در پی هر درخواست، بخشی از یک آیه را به گونه حلی اقتباس کرده و دلیل آن درخواست قرار می دهد. حضرت علیه السلام از خدا می خواهد که او را در زمره لشکر، حزب و اولیای خودش قرار دهد و هر یک از این درخواست ها را با استناد آیه ای از قرآن مبرهن می سازد، می فرماید:

اللهم اجعلني من جنك فان جنك هم الغالبون،^{۶۳} واجعلني من حزبك فان حزبك هم المفلحون،^{۶۴} واجعلني من اولياءك فان اولياءك لا خوف عليهم ولا هم يحزنون.^{۶۵ ۶۶}

۷. تحمید و تبیین سیمای مشرکان ورد عقاید آنان

در دعایی منسوب به حضرت سجاد علیه السلام در مقام وداع ماه مبارک رمضان،^{۶۷} چند آیه را در مقام حمد اقتباس کرده است و در پی آن، به تناسب مضمون آیه، به شرح و تبیین سیمای منحرفان و مشرکان پرداخته، آنان را دروغ گو و افترا پرداز می خواند و سپس با استفاده از آیات دیگر قرآن، ضمن تکمیل صفات آنان و تبیین سیمای انحرافیشان، عقاید مشرکانه آنان را مردود می شمارد، می فرماید:

۶۱. مهج الدعوات، ص ۱۸۱؛ مفاتیح الجنان، اعمال روز عرفة.

۶۲. سوره یوسف، آیه ۵۳.

۶۳. سوره صافات، آیه ۱۱۷ و ۱۷۴.

۶۴. سوره مجادله، آیه ۲۲.

۶۵. سوره یونس، آیه ۶۲.

۶۶. الصحیفة السجادية الجامعة، دعای ۲۴۰، ص ۵۴۷-۵۴۸؛ البلد الامین، ص ۱۲۳؛ مصباح الکفعمی، ص ۱۱۸.

۶۷. این دعا غیر از دعای مشهور در صحیفة است.

والحمد لله رب العالمين على كل حال و «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ
 جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ»^{۶۸} کذب العادلون بالله، و
 المفترون على الله الكذب والمدعون غيره الها، قد ضلوا ضلالاً بعيداً، و خسروا خسراً
 مبيناً، وقالوا قولاً عظيماً «مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذًا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ
 بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ»^{۶۹} الحمد لله الذي هدانا
 لدينه الذي لا يقبل عملاً الا باذنه ولا يغفر ذنباً الا لاهله.^{۷۰}

۸. تحذیر، ترسیم چهره انسان در قیامت

در بندی از دعای ابو حمزه ثمالی، امام زین العابدین علیه السلام، به تصویر محشر پرداخته و
 می فرماید:

آن گاه که انسان با کوله بار سنگینی از گناهان سر از قبر بر می دارد، حیران و
 سرگردان و وحشت زده به هر سو می نگرد تا مگر آشنایی بیابد و از او کمک
 بخواهد، ولی دریغ و افسوس که احدی از او دستگیری نمی کند و هر کس
 سرگرم مشکلات خود است؛ بعضی شادمان و بعضی در اوج گرفتاری با
 چهره های به غایت غم گرفته.

حضرت برای ترسیم بخشی از این منظره هول انگیز از قرآن استمداد کرده و در
 تصویرگری این صحنه آیاتی را اقتباس کرده است، می فرماید:

ابکی لخروجی من قبری عرباناً ذلیلاً، حاملاً ثقلی علی ظهری، انظر مرة عن یمینی،
 ومرة عن شمالی اذ الخلائق فی شان غیر شانی «لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ
 يُغْنِيهِ؛ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ؛ ضَاجِكُهُ مُسْتَبْشِرَةٌ؛ وَوُجُوهٌُ يَوْمَئِذٍ عَلْمُهُا عَبْرَةٌ؛ تَرَهُّفُها
 قَتْرَةٌ»^{۷۱} و ذلة.^{۷۲}

۹. استناد

در دعایی منسوب به حضرت باقر علیه السلام به هنگام عزم سفر، می فرماید:

خدایا قطع امید از همه کس و فقط در پناه تو سفر را آغاز می کنم، فقط بر تو
 تکلیف دارم و چاره ام فقط توکل بر توست که در پی روزی می روم، خدایا تو

۶۸. سوره انعام، آیه ۱.

۶۹. سوره مؤمنون، آیه ۹۱.

۷۰. صحیفه جامعه، دعای ۱۴۳، ص ۳۰۱؛ اقبال الاعمال، ص ۲۴۳.

۷۱. سوره عبس، آیه ۴۰-۳۷.

۷۲. صحیفه جامعه، دعای ۱۱۶، ص ۲۲۶؛ مصباح المنهج، ص ۴۰۱؛ مصباح الکنعمی، ۵۸۸؛ البلد الامین، ص ۲۰۵.

می دانی در این سفر برای من چه چیز از خوب و بد مقدر شده است و چه امتحانی در پیش دارم.

آن گاه این مدعای خودش را با اقتباس آیه‌ای و استناد به آن مستدل می‌سازد، می‌فرماید:

اللهم إني خرجت في سفرى هذا بلا ثقة منى بغيرك، ولا رجاء بى أوى إلا إليك، ولا قوة أتكل عليها، ولا حيلة ألجأ إليها إلا طلب فضلك. وابتغاء رزقك، وتعرضاً لرحمتك، وسكوناً إلى حسن عبادتك وأنت يا إلهى أعلم بما سبق لى فى سفرى هذا مما أحب وأكره، ولما أوقعت على فيه قدرک و محمود بلائک، فأنت يا إلهى تحوما تشاء وتثبت، وعندک أم الكتاب^{۷۳} اللهم صل على محمد وآل محمد، واصرف عنى فى سفرى هذا كل مقدور من البلاء...^{۷۴}

۱۰. جری و تطبیق

در دعایی دیگر منسوب به امام صادق علیه السلام زمانی که منصور برای دومین بار ایشان را احضار کرد، پس از مناجات با خدا و اظهار توکل بر او، از خدا می‌خواهد که شر منصور را به خودش برگرداند و پیروزی او را تضمین کند. در پایان بار دیگر خدا را با نام «کافی» مخاطب ساخته و در مقام مناجات به مراتب لطف خدا به دو پیامبر بزرگ و نجات آنان از دو فتنه عظیم اشاره می‌کند و سپس با اقتباس چند آیه، از سویی به معرفی سیمای پیامبر و یارانش استوارش در جنگ احزاب و از دیگر سوی، به ضعف و زبونی و بی‌اثر بودن نقشه‌های دشمنان پیامبر در آوردگاه احزاب و غیر آن پرداخته است. اقتباس آیات در این دعا به هنگام بروز حادثه پیش گفته به معنای جاری ساختن قرآن در بستر زمان و تطبیق مفاد آن بر اشخاص جدید و موقعیت پیش آمده است؛ گویا امام علیه السلام می‌خواهد بفرماید: امام امتداد پیامبر و خط فکری همان، و بنی عباس امتداد ابوسفیان‌ها و خط فکری همان امتداد شرک ولی در چهره نفاق است، می‌فرماید:

اللهم إني أدرء بك في نحره، وأعوذ بك من شره، وأستعينك عليه، وأستكفيك إياه، يا كافي موسى فرعون، و محمد صلى الله عليه وآله الأحزاب. الذين قال لهم الناس إن الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم إيماناً وقالوا حسبنا الله و نعم الوكيل، أولئك الذين طبع الله على قلوبهم و سمعهم و أبصارهم و أولئك هم الغافلون، لا جرم

۷۳. سوره رعد، آیه ۳۹.

۷۴. الصحيفه الباقرية الجامعة، دعای ۲۱۰، ص ۱۰۳.

أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ، وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهْمًا لَا يُبْصِرُونَ.

۱۱. استناد، جری و تطبیق، استخراج بطن

در دعایی منسوب به امام کاظم علیه السلام تحت عنوان دعای «احتراز»، در بندی در قالب مناجات، از شر دشمنان به خدا پناه می‌برد و آن‌گاه مستند کلام خودش در این دعا را چهار آیه شریفه قرار می‌دهد که همگی اشاره به مواردی دارد که خدا بندگان صالح را در هنگام خوف از دشمنان و گرفتاری نجات داده است. امام با تطبیق آن آیات بر مصادیق جدید (خودش و دشمنان خودش) به جای پیامبران و بندگان صالح گذشته و دشمنانشان از مبنای جری و تطبیق استفاده کرده و به مقتضای مفهوم عامی که از این جزئیات به دست می‌آید، آیه را مستند دعای خویش ساخته، از خدا می‌خواهد او را از شر دشمنان حفظ کند، می‌فرماید:

اللَّهُمَّ بَكَ أَعُوذُ [وَبِكَ الْوَدَّ] وَبِكَ أَصُولُ، وَإِيَّاكَ أَعْبُدُ وَإِيَّاكَ أَسْتَعِينُ، ^{۷۵} وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ وَأَدْرُءُ بِكَ فِي نَحْرِ أَعْدَائِي، وَأَسْتَعِينُ بِكَ عَلَيْهِمْ، وَأَسْتَكْفِيكَهُمْ فَافْكَفِهِمْ بِمَا شِئْتَ وَكَيْفَ شِئْتَ، وَمَا شِئْتَ، بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ ^{۷۶} فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ ^{۷۷} قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَجَجْعَلُ لَكَ سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكَ مَا بَأَيَّتِنَا أَنْتُمْ وَمَنْ اتَّبَعَكُمْ الْغَالِبُونَ؛ ^{۷۸} لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَ أَرَى؛ ^{۷۹} قَالَ احْسَبُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُون؛ ^{۸۰} أَخَذَتْ بِسَمْعِ مَنْ يَطَالِبُنِي بِالسُّوءِ بِسَمْعِ اللَّهِ وَبَصْرِهِ وَقُوَّتِهِ بِقُوَّةِ اللَّهِ وَحَبْلِهِ مِنَ الْمُتِينِ، وَسُلْطَانَهُ مِنَ الْبَيْنِ فَلَيْسَ لَهُ عَلَيْهَا سُلْطَانٌ وَلَا سَبِيلٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهْمًا لَا يُبْصِرُونَ ^{۸۱، ۸۲}.

۱۲. توصیف پیامبر و اهل بیت

امام رضا علیه السلام در دعایی به مقصود طلب فرج به اسمای حسنی الهی متوسل می‌شود و

۷۵. سوره فاتحه، آیه ۵.

۷۶. سوره آل عمران، آیه ۲۶؛ سوره تحریم، آیه ۸.

۷۷. سوره بقره، آیه ۱۳۷.

۷۸. سوره قصص، آیه ۳۵.

۷۹. سوره طه، آیه ۴۶.

۸۰. سوره مؤمنون، آیه ۴۸.

۸۱. سوره یس، آیه ۹.

۸۲. الصحیفه الکاظمیه الجامعه، دعای ۴۳، ص ۵۹-۶۰؛ مهج الدعوات، ص ۳۹.

در آغاز، شهادت به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر داده بر او و اهل بیت پاکش علیهم السلام صلوات می فرستد، در ضمن فقره اول با اقتباس بخش هایی از آیات قرآن، پاره ای از اسمای حسناى الهی را اقتباس کرده، می گوید:

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له، خالق الخلق، وقاسم الرزق، وفالق
الإضباح وجعل الليل سكناً والشمس والقمر حُسباناً ذلك تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ؛^{۸۳} لا
اله الا هو العزيز الحكيم.

در ادامه، در مقام شهادت به نبوت پیامبر گرامی، به شمردن اوصاف آن حضرت پرداخته، در قالب اقتباس آیات، این توصیفات را تکمیل می کند: و اشهد ان محمداً عبده ورسوله وولیه و نبيه و خلیله و سفیه و حبیبه و خالصته من خلقه، و امینه علی و حیه و ارسله رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کلّه و لَو کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ؛^{۸۴} بَشِیراً وَ تَذِیراً^{۸۵} وَ دَاعِیاً إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِرَاجاً مُنِیراً.^{۸۶}

سپس بر پیامبر و آلش درود فرستاده، با اقتباس آیه تطهیر، برجسته ترین ویژگی اهل بیت علیهم السلام - عصمت - در قرآن را یاد آوری کرده، آن گاه خدای را با اسماء حسنايش خوانده و درخواست فرج می کند؛ می فرماید:

صلی الله علیه و علی اهل بیته الذین اذهب الله عنهم الرجس، و طهرهم تطهیراً^{۸۷} یا
مقوی کل ذلیل، و معز المؤمنین، و منذل الجبارین، قد و حقک بلغ منی المجهود، ففرج
عنی یا ارحم الراحمین.^{۸۸}

۱۳. امید بخشی و لزوم توکل

در دعایی منسوب به حضرت جواد علیه السلام در مقام تعویذ، ابتدا از شر انواع شیاطین به خدا پناه می برد، و توصیفات متناسب از قبیل «رب المشارق و المغارب» به کار می برد و در ادامه، چند آیه قرآن را اقتباس می کند که همگی امیدبخش است و این نوید را می دهد که اولاً خدا شیاطین را دور می کند و مواظب است به انسان آسیبی نرسد و ثانیاً مهربان است و خیرخواه همه چیز و همه کس و ثالثاً در پی آسان گیری است و نه سختی آفرینی و تجلی

۸۳. سوره انعام، آیه ۹۶.

۸۴. سوره صف، آیه ۹.

۸۵. سوره بقره، آیه ۱۱۹؛ سوره سبأ، آیه ۲۸؛ سوره فاطر، آیه ۲۴؛ سوره احزاب، آیه ۴۵.

۸۶. سوره احزاب، آیه ۴۶.

۸۷. سوره احزاب، آیه ۳۳.

۸۸. الصحیفه الرضویه الجامعه، دعای ۲۳، ص ۳۰؛ البلد الامین، ص ۴۴۹.

رحمت او نسبت به بندگان پیوسته بیشتر است و رابعاً هر کس بر او توکل کند، خدا او را کفایت خواهد کرد و در پایان هم، پس از این که این آیات امید بخش را اقتباس می‌کند، با تهلیل خود را در پناه عزت و قدرت خدا و آبروی رسول او قرار می‌دهد، می‌فرماید:

أعید نفسی برب المشارق والمغارب، و من کل شیطان مارد، وقائم وقاعد و عدو و حاسد و معاند، و ينزل علیکم من السماء ماء لیطهرکم به و یذهب عنکم رجس الشیطان و لیربط علی قلوبکم و یثبت به الاقدام،^{۸۹} ارض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب^{۹۰} و أنزلنا من السماء ماء طهوراً لنحیی به بلدة ميتاً و نستقیه مما خلقنا أنعاماً و أناسی کثیراً،^{۹۱} الان خفف الله عنکم^{۹۲} ذلك تخفیف من ربکم و رحمة،^{۹۳} یرید الله أن یخفف عنکم، فسیکفیکهم الله و هو السميع العليم،^{۹۴} لا إله إلا الله و الله غالب علی أمره،^{۹۵} لا إله إلا الله محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تسليماً.^{۹۶}

۱۴. منشا انحراف گمراهان

در دعایی مناجات‌گونه منسوب حضرت هادی علیه‌السلام در یک بند - که بر مشرکان و خراصان و جباران و اهل افک نفرین می‌کند - با اقتباس آیه ای از قرآن به توصیف آنان پرداخته و همه مصداق آیه ساخته، نشان می‌دهد وجه اشتراک همه این گروه‌ها گمان باطل نسبت به قرآن است؛ چون به حیثی بودن قرآن اعتقاد ندارند، هر یک به گونه ای دچار انحراف شده‌اند. این می‌تواند هشدار می‌باشد که جدایی از قرآن منشأ هر انحراف عقیدتی و اقدام ناصواب است؛ اعم از آنچه در این دعا آمده و آنچه نیامده و در آینده می‌تواند اتفاق بیفتد. پس امام با این اقتباس نوعی تطبیق انجام داده و قانون عامی را یاد آور شده است، می‌فرماید:

اللهم یا مالک یوم الدین، العالم بخفایا صدور العالمین، طهر الأرض من نجس أهل الشرك، وأخرس الخراصین عن تقولهم علی رسولک الإفک، اللهم اقصم الجبارین، وأبر المفترین، وأید الأفاکین الذین إذا تتلی علیهم آیات الرحمن قالوا

۸۹. سوره انفال، آیه ۱۲.

۹۰. سوره ص، آیه ۴۲.

۹۱. سوره فرقان، آیه ۵۲-۵۱.

۹۲. سوره انفال، آیه ۶۸.

۹۳. سوره بقره، آیه ۱۷۵.

۹۴. سوره بقره، آیه ۱۳۷.

۹۵. سوره یوسف، آیه ۲۲.

۹۶. الصحیفه الجوادیه الجامعه، دعای ۲۶، ص ۱۴۱-۱۴۲؛ البلد الامین، ص ۲۰۶؛ مصباح المتجهد، ص ۴۸۹.

أساطير الأولين^{۹۷، ۹۸}

۱۵. طلب ثبات قدم در مسیر هدایت

در دعایی منقول از امام حسن عسکری علیه السلام به هنگامی که برای نماز رو به قبله می ایستد، بعد از آن که اخلاص خود در توحید، ایمان و توکلش را یادآور می شود، با اقتباس حلی یک آیه از خدا می خواهد که او را بر مسیر توحید و ایمان و توکل ثابت قدم بدارد، می فرماید:

اللهم إلیک توجهت و رضاک طلبت، و ثوابک ابتغیت و لک أمنت و علیک توکلت، اللهم افتح مسامع قلبی لذکرک، و ثبت قلبی علی دینک و دین نبیک و لا تنزع قلبی بعد إذ هدیتنی و هب لی من لدنک رحمة إنک أنت الوهاب^{۹۹، ۱۰۰}

کتابنامه

- اثر القرآن الکریم فی الشعر الاندلسی، محمد شهاب العانی، بغداد: دار الشؤون الثقافية العامة، اول، ۲۰۰۲ م.
- الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین سیوطی، تحقیق: سعید المندوب، بیروت: دار الفکر، اول، ۱۴۱۶ ق / ۱۹۹۶ م.
- الاقتباس، انواعه و احکامه، عبدالمحسن بن عبدالعزیز العسکر، ریاض: مکتبة دار المنهاج، اول، ۱۴۲۵ ق.
- البلد الامین، ابراهیم بن علی کفعمی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، اول، ۱۴۱۸ ق.
- التعریفات، علی بن محمد جرجانی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۸ ق.
- الدرر الوقیة، علی بن موسی بن طاووس، قم: مؤسسه آل البيت، اول، ۱۴۱۴ ق.
- الصحیفه الرضویة الجامعة، سید محمد باقر ابطحی، قم: مؤسسه امام مهدی، اول، ۱۴۲۰ ق / ۱۳۷۸.
- الصحیفه السجادیة الجامعه، سید محمد باقر ابطحی، قم: مؤسسه امام مهدی، چهارم، ۱۴۱۸ ق.
- الصحیفه العلویة الجامعه، سید محمد باقر ابطحی، قم: مؤسسه امام مهدی، اول، ۱۴۱۸ ق / ۱۳۷۷ ش.

۹۷. سوره قلم، آیه ۱۶؛ سوره مطفقین، آیه ۱۳.

۹۸. الصحیفه الهادیة الجامعه، دعای ۸، ص ۱۶۶؛ مهج الدعوات، ص ۸۲؛ البلد الامین، ص ۶۵۸.

۹۹. سوره آل عمران، آیه ۷.

۱۰۰. الصحیفه العسکریه الجامعه، دعای ۲۳، ص ۲۲۸؛ جمال الاسبوع، ص ۱۴۹-۱۵۰.

- الصحیفه الفاطمیة الجامعة، سید محمد باقر ابطحی، قم: مؤسسه امام مهدی، اول، ۱۴۲۱ق/ ۱۳۷۹ش.
- الفصول المهمة فی معرفة الائمة، ابن صباغ مالکی مکی، تحقیق: سامی الغریری، قم: دار الحدیث، اول، ۱۴۲۲.
- المصباح فی الادعیة والصلوات، ابراهیم بن علی کفعمی، تهران، ۱۳۴۹ق.
- المفردات فی غریب القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، بی جا، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ق.
- بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، محمد باقر مجلسی، بیروت: مؤسسة الوفاء، دوم، ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م.
- تاریخ الطبری، محمد بن جریر طبری، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چهارم، ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م.
- تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، سید محمد راستگو، تهران: سمت، ششم، ۱۳۸۷ش.
- تفسیر سوره حمد، امام خمینی، تهران: مؤسسه نشر آثار امام، سوم، ۱۳۷۶ش.
- جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع، تحقیق: جواد قیومی، قم: نشر آفاق، اول، ۱۳۷۱ش.
- رساله نور علی نور، حسن حسن زاده آملی، ضمیمه، مفتاح الفلاح، تهران: انتشارات حکمت، ششم، ۱۳۸۴ش.
- غرر الحکم، عبد الواحد آمدی، ترجمه: محمد علی انصاری، قم: دار الکتب، بی تا.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چهارم، ۱۳۶۵ش.
- کتاب العین، خلیل بن احمد فراهیدی، قم: مؤسسه دارالهجرة، ۱۴۰۹ق.
- کشف الغمة فی معرفة الائمة، ابن ابی فتح الاربلی، بیروت: دارالاضواء، دوم، ۱۴۰۵ق/ ۱۹۸۵م.
- لسان العرب، محمد بن مکرم بن منظور، بیروت: دار احیاء التراث العربی، اول، ۱۴۰۵ق.
- مجمع البحرین، فخر الدین طریحی، تهران: مکتبه مرتضوی، دوم، ۱۳۶۲ش.
- مختصر المعانی، سعد الدین تفتازانی، قم: دار الفکر، اول، ۱۴۱۱ق.
- مصباح المتعبد، محمد بن حسن طوسی، بیروت: مؤسسة البعثة، اول، ۱۴۱۱ق.
- المصباح المنیر، آیه الله علی مشکینی، قم: الهادی، هفتم، ۱۳۷۹ش.
- معجم آیات الاقتباس، حکمة فرج البدری، بغداد: دار الرشید، ۱۹۸۰م.

- مهج الدعوات، علی بن موسی بن طاووس، بیروت: بی نا، ۱۴۱۴ق.
- نفس المهموم، شیخ عباس قمی، ترجمه: آیت الله کمره‌ای، تهران: کتابخانه اسلامی، اول، ۱۳۶۳ش.
- وصیت نامه الهی سیاسی امام خمینی، مشهد: کتابخانه مرکزی آستان قدس، ۱۳۶۹ش.

